

بررسی حجاب زنان از منظر حضرت زهرا(س) و آیات و روایات

نبی توان^۱، غزاله پورجعفری^۲

چکیده

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. استعمال این کلمه، بیش تر به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده، وسیله ی پوشش است، ولی هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.

حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمی توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.

در آیات و روایات معصومین به تفصیل مراتب حجاب بیان گردیده تاجایی حضرت زهرا(س) فرمودند: نزدیکترین حالات زن به پروردگارش وقتی است که در خانه اش بنشیند و خود را در کوچه و بازار، جلو چشم نا محرمان قرار ندهد.

واژگان کلیدی:

حجاب، آیات، روایات، زن، پوشش.

۱ - دکتری فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام (ره) دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین.
آدرس: ایلام، ملکشاهی، خ. رستمی، ۰۹۱۸۷۴۱۹۴۸۳-۰۸۴۳۳۵۸۳۶۸۹- ایمیل: ۱۳۶۶nabe@gmail.com
۲ - دانشجوی کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام (ره) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.
آدرس: ایلام، ملکشاهی، خ. رستمی، ۰۹۱۰۵۴۷۱۰۱-۰۸۴۳۳۵۸۳۶۸۹- ایمیل: ۷۶pog@gmail.com

معنای لغوی «حجاب» که در عصر ما این کلمه برای پوشش زن معروف شده است چیست؟ کلمه «حجاب» هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر، استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است، و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوششی «حجاب» نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. در قرآن کریم در داستان سلیمان غروب خورشید را این طور توصیف می‌کند: "حتی توارت بالحجاب" یعنی تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد. پرده حاجز میان قلب و شکم را «حجاب» می‌نامند.

استعمال کلمه «حجاب» در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها چه در کتاب الصلوة و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده‌اند کلمه «ستر» را به کار برده‌اند نه کلمه «حجاب» را.

بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه «پوشش» را به کار می‌بردیم، زیرا چنانکه گفتیم معنی شایع لغت «حجاب» پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود.

فلسفه پوشش اسلامی به نظر ما چند چیز است. بعضی از آنها جنبه روانی دارد و بعضی جنبه خانه و خانوادگی، و بعضی دیگر جنبه اجتماعی، و بعضی مربوط است به بالا بردن احترام زن و جلوگیری از ابتذال او.

حجاب در اسلام از یک مساله کلی‌تر و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد، اجتماع منحصر برای کار و فعالیت باشد. بر خلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جوییه‌های جنسی به هم می‌آمیزد اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.

حجاب و عفاف در قرآن

در قرآن مجید بیش از ده آیه در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرم وجود دارد.

یکی از این آیات، آیه ۵۹ سوره احزاب است:

(یا ایها النبی قل لازلواجک و بناتک و نساء المومنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفورا رحیما)

(ای پیامبر، به زنان و دخترانت و نیز به زنان مومنین بگو خود را بپوشانند تا شناخته‌نشدند و مورد اذیت قرار نگیرند. و خداوند بخشنده مهربان است.)

جلاب به معنای یک پوشش سراسری است؛ یعنی زن باید همه اندامش پوشیده باشد تا همچون گلی لطیف از دسترس هوسرانان مصون و محفوظ باشد.

در سوره نور آیه ۳۱ نیز مفصلاً در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرم سخن به میان آمده است.

روش تحقیق

روش تحقیق به صورت تحلیل محتوای است که به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. امید است این پژوهش در توسعه فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه تأثیرگذار باشد.

واژه‌شناسی

در پرده کردن، حجب، بازداشتن از در آمدن (از منتهی الارب). «دهار» و «زوزنی» به معنی روگیری، عفاف، شرم کردن، حیا: مرا به عرض تمنا حجاب نگذارد و گر خموش شوم اضطراب نگذارد، لغت حجاب به معنی جدایی، پوششی است که زن را از دنیای مرد، جدا می‌کند. در مفهوم دیگر، حجاب، حفاصل بین برگزیده و لعن شده و نیز به معنی جوهر مادی در معراج عرفانی به کار می‌رود: تو خود حجاب خودی، حافظ از میان برخیز «حجاب» به مفهومی دیگر: حد نهایی جدایی مذهبی - اجتماعی که شمول روحی این جهان می‌باشد، به کار رفته است. گاه به معنای ایستای خود، جنبه دیالکتیک دارد، یعنی مبادله یا برخورد که تغییرات یک وضع را شامل می‌شود. اما مفهوم اخص آن، پوششی است که در اطراف یک زن یا یک شیء قرار می‌گیرد تا او را کاملاً از دیدگاه عموم محفوظ دارد.

عفت، یعنی نگاه داشتن نفس از چیزهایی که حرام است یا انجام آن شایسته نیست. شهید مطهری در تعریف عفاف می‌فرماید: «عفت، حالتی نفسانی است به معنی رام بودن قوه‌ی شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان؛ تحت تأثیر قوه‌ی شهوانی نبودن» (حضرت علی درباره حقیقت عفت می‌فرماید: العفاف زهاده عفت، بی‌رغبتی نسبت به خواسته‌های نفسانی است. و اما عفیف به کسی گفته می‌شود که در برابر خواسته‌های نفسانی، از جمله، کششهای جنسی، مقاومت نموده، خود را حفظ نماید).

بیان مسئله

نگاهی به مبانی «حجاب و عفاف» که برخاسته از حقایق دین و در افق بالاتر از عالم ماده تدوین و تبیین شده است، در عصر برهنگی، تنها پاسخ مثبت و حقیقی به نیازهای درونی و بازگشت به گرایش‌های فطری جامعه انسانی است که سلامت، امنیت، معنویت و کمال را در خانواده و اجتماع میسور می‌سازد؛ و این انتخاب تنها راه رسیدن به کمال و سعادت الهی است، مبانی و ریشه و راه‌های این حقیقت را می‌توان از بطن قرآن و روایت‌های اصیل اسلامی به دست آورد.

«حجاب و عفاف» در قاموس بشری، واژه‌های آشنایی هستند که در گذر زمان از سنت به سوی مدرنیته، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است. در این میان مردان و زنان (به خصوص زنان) در مسیر تند باد حرکت به سوی مدرنیسم، در معرض برهنگی فرهنگی و فرهنگ برهنگی قرار گرفتند تا در توسعه سرمایه‌داری نقش خویش را ایفا کنند. اما با گذر زمان از هویت و شخصیت و ماهیت خود بیشتر دور شدند، و در یک حرکت جدید با بازگشت دوباره به سوی منیت خویش و توجه به سرشت و طبیعت و احتیاجات حقیقی خود را، در میان معنویت، هویت خویش را در «عفاف و حجاب» جستجو کردند.

از این روی مسئله اصلی در این مقاله «مبانی عفاف و حجاب» از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی است و این موضوع مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

مفهوم قرآنی حجاب

در قرآن کریم، هفت بار واژه «حجاب» بکار رفته است و با در نظر گرفتن آیات قرآنی می‌توان فهمید حجاب در قرآن به طور اخص به معنای جدایی و پرده به کار رفته است. اما معنایی که امروزه از آن استنباط می‌شود، معنای تحول یافته‌ای از واژه قرآنی آن می‌باشد. به عبارت دیگر کلمه حجاب تغییر کرده و به جای کلمه یستر و ستر، به معنای پوشش و پوشاندن به کار رفته است. هدف اسلام از

پوشش زنان در واقع حفاظت آنها از نگاه شهوت‌زای مردان و بسیاری مسائل دیگر روانی و اخلاقی می‌باشد که آیات قرآن و احادیث و فتوای مراجع و مجتهدان بزرگ، گواه این منظور است.

کیفیت حجاب :

پوشش واقعی پوششی است که بدن انسان را از نامحرمان بیپوشاند و نازک و بدن نما نباشد. علی (ع) فرمود : « عَلَیْكُمْ بِالصَّفِیقِ مِنَ الثِّیَابِ فَإِنَّ مَنْ رَقَّ تَوْبُهُ رَقَّ دِیْنُهُ » از لباس نازک بپرهیزید زیرا کسی لباسش نازک است ایمانش هم ضعیف و کم رنگ است. حجاب باید همراه با حجب و حیا باشد. بسیاری از خانمها پوشش ظاهری شان کامل است اما نحوه پوشیدن و رفتار و راه رفتن آنها به گونه ای است که جلف و سبک می نماید و جلب توجه می کند و در شأن یک خانم با حجاب نیست. باید حجاب ظاهر و باطن همراه باشد. همواره باید توجه داشت انتقال ارزشها از اوان کودکی آغاز می شود. برای اینکه انسان بتواند از نامحرمان و گناهان محفوظ ماند باید خود را در لباس و حفاظ تقوا قرار دهد و برای اینکه دامن زنان از بی عفتی پاک باشد لازم است خود را در حفاظ و حجاب و عفاف قرار دهند.

فرق عفاف و حجاب :

مساله اصلی و بنیادین عفت است. عفت فراتر و برتر از حجاب است. حجاب، همان پوشش ویژه وعفت، یک خصلت و بینش و منش است. حجاب، پوششی بیرونی است؛ ولی عفت، هم پوشش بیرونی و هم پوشش درونی است. حجاب می تواند ریایی، تحصیلی، ظاهری و یاغیره اختیاری باشد؛ ولی عفت، یک خصلت و ارزش اختیاری است. عفت نموده‌های گوناگونی دارد؛ ازجمله: عفت در نگاه، عفت در سخن، عفت در شهوت و ... ممکن است کسی حجاب مناسب داشته باشد ولی عفت در نگاه، سخن گفتن و یا امور جنسی نداشته باشد که این خودنمونه حجاب بدون عفت است، بنابراین برای سالم سازی جامعه به دنبال عفت عمومی باشیم تا حجاب آگاهانه گسترش یابد.

قرآن وعفاف :

قرآن، از این ارزش انسانی و اسلامی با واژه هایی چون عفاف، احسان و حضور، با عظمت یاد نموده، یکی از ویژگیهای مؤمنان راستین را پاکدامنی و عفاف می داند؛ والذینهم لفروجهم حافظون(آنان (مومنین) کسانی هستند که خویشان را از بی عفتی حفظ می کنند. در اهمیت عفاف همین بس که خداوند در قرآن، سوره ای به نام «سوره نور» به بیان لزوم عفاف اختصاص داده و شیوه های رسیدن به آن و مبارزه با آلودگی های جنسی را بیان فرموده است. قرآن در بیان مهیج ترین ماجراهای تاریخی، چون داستان حضرت یوسف (ع) جانب عفاف را رعایت نموده است. به بیان دیگر باید گفت : قرآن کتاب عفاف است و برنامه ای برای کسانی که بخواهند این راه سعادت بخش را در پیش گیرند

عادت زنده به گور کردن او بسیار عادی بوده است. در دین یهود، اگر زن به نقض قانون دین می پرداخت، چنانکه بدون پوششی بر سر، به میان مردم می رفت و یا در شارع عام نخ می ریسید یا با مردان سخنی می گفت و درد دل می کرد، یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم میکرد، همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آنصورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد. حجابی که در قوم یهود معمول بوده، بسیار سخت تر از حجاب در اسلام بوده است. کتاب مقدس «بیل» چندان نرمشی نسبت به زن نشان نداده است، چنانکه گاهی زن را تلخ تر از مرگ دانسته است. به اعتقاد «سن پل» یکی از قدیسان کلیسا «سر زن نباید بدون روسری (سرپوش) باش؛ زیرا:» به خاطر فرشتگان است که زن باید الزاماً پوشیده باشد. آیا اگر زنی در موقع عبادت، او فرود می آید؟ آیا طبیعت به شما نیاموخته است که شرم آور است که مردان موهای خود را بلند کنند، در حالی که موی بلند برای زنان افتخار آمیز است چون خود موی بلند، فرحی از روسری می باشد» به طور کلی در اکثر تصاویر مذهبی و هم چنین مجسمه هایی که در موزه های اروپا و سایر نقاط جهان به چشم می خورد، چه در دین یهود و چه در دین مسیحیت، زنان دارای روسری و یا پوشش بلندی که بی شباهت به چادر نیست می باشند، و یا اگر سربند کوچکی بر سر داشته باشند لباس بلند و کاملاً پوشیده ای بر تن دارند. حتی تا این اواخر یک زن در اسپانیا، پرتغال و جنوب فرانسه، ایتالیا، کرس، یونان و لبنان حق ورود به کلیسا بدون پوششی بر سر نداشت.

حجاب در ایران قبل از اسلام:

قبل از اسلام به دلیل تجاوز پادشاهان به زنان و دختران جوان، زنان کمتر از منزل خارج می شدند، به طوریکه در موقع خارج شدن از منزل برای اینکه شناخته نشوند، در اراجه هایی می نشستند که با پرده ای جلوی بستر می شد و اگر پیاده بودند، در لباسهای بسیار گشادی که حتی صورتهایشان هم پوشیده بود، ظاهر می شدند. ضمناً از این نوع لباسها گاهی مردان نیز برای اینکه شناخته نشوند استفاده می کردند اختلاف پوشش در بین طبقات جامعه بسیار بود و در حقیقت، چادر در آن عصر عبارت بود از یک روسری بسیار بلند که سر را می پوشانده بدون پوشاندن صورت، بلندی آن قسمتی از بالا تنه را فرا می گرفت و غالباً بسیار نازک و نمایان بوده است. درباره آذر میدخت یکی از پادشاهان ساسانی که فقط یکسال حکومت کرده است نوشته اند: «در تالار وسیعی که در سمت گنبد بزرگ قصر (دیر) واقع بود گروهی از بزرگان ایرانی نشسته، در بالای تالار آذر میدخت مانند خورشیدی تابان در پس ابرهای بهاری، با لباس سیاه و چادری نازک و مشکی که نیمی از تاج او را گرفت، و مانند چارقدهای زمان ما، که از پشت تا نزدیک کمر می رسد، دیده می شد.» کنت گوینو در کتاب «سه سال در ایران» نیز معتقد است که حجاب شدید دوره ساسانی در دوره اسلام نیز در میان ایرانیان باقی ماند. او معتقد است آنچه در ایران ساسانی بوده است تنها پوشیدگی

زن نبوده ، بلکه مخفی نگه داشتن زن بوده است و مدعی است که خود سری موبدان و شاهزادگان آن دوره به قدری بوده است که اگر کسی زن خوشگلی در خانه داشت، نمی گذاشت کسی از وجودش آگاه گردد و حتی الامکان او را پنهان میکرد. آنان مجبور بودند که خود را بیپوشانند تا از طمع شاهزادگان و مردان با قدرت ، که می توانستند آنان را بربایند در امان باشند .

حجاب زنان ایران قبل از اسلام :

لباس زن ایرانی معمولاً از یک پیراهن (که روی آنرا به انواع مختلف گلدوزی ، قلاب دوزی و کارهای تزئینی دیگر در رابطه با وضعیت اجتماعی زنی که آن را می پوشید) با رنگ زنده و آستینهای بلند تشکیل میشد . یقه آن از طرف جلو باز بود . شلواری از پارچه ای نازک با رنگی غیر از رنگ پیراهن که در قسمت مچ تنگ بود، به پا می کردند. برای پوشاندن سر از یک سربند ، که در زیر چانه به وسیله دو بست محکم میگردید استفاده می نمود . روی این سربند یک روسری بزرگ سه فتری از ابریشم که غالباً برو دری دوزی گردیده بود بنام مکنو می پوشید . این روسری از سر تا روی شانه و پشت گردن را به خوبی می پوشانید و گردی صورت و گاهی قسمتی از موی جلوی سر بیرون می ماند . در فصل سرما بر روی این روسری هم ، روسری مربع شکل می پوشید و گاهی بصورت عمامه بر دور سر خود می پیچید . در روی پیراهن خود یک مانتو از زری که آستینهای بلندی داشت و از جلو به وسیله دکمه بسته می گردید، بر تن می کرده ، مسلماً پارچه ها و تزئینات مختلف به طبقه و درجه اجتماعی زنان مربوط می گردید. زنان معمولی اجازه پوشیدن پوتین و کفش پاشنه بلند را نداشتند، و اینها مخصوص خانواده های سرشناس بود . لباس زنان طبقه مرفه، تا اندازه ای پیچیده بود و در زمستان از مانتوی پوست استفاده می کردند و سر شانه های خود را با پوست روباه نقره دوزی گردیده بود می پوشانند . در تابستان روی شلوار ابریشم خود، زنان ایرانی یک لباس به نام « قبا » بر تن می کردند که جنس آن از ابریشم و خیلی تنگ و کوتاه بود . آنها در تمام فصول سر خود را با کلاهی که با نگین الماس یا طلا و مروارید و جواهرات تزئین یافته بود می پوشانند . دور تا دور کلاه بوسیله پارچه ای بسیار نازک پوشیده می گردید . پوتین آنها از چرم طلایی بود . فرم ساده این لباسها را تا صد سال پیش، زنان زردشتی در ایران بر تن داشتند.

حجاب زنان عرب قبل از اسلام

زنان عرب لباسی بسیار ساده داشتند . طبرسی می نویسد : چهار تکه برای زنان لازم بود. اولین تکه به نام « دراعه » که پیراهن بلندی بود که تمام بدن را می پوشانید ، دومین قسمت به نام « خمار » که سرو گردن و دور سینه را می پوشانید ، سومین قسمت به نام « جلباب » است که از سر تا پا را در بر می گیرد و پیراهن و خمار در زیر آن پنهان می شود و همین جلباب است که نقش چادر دارد

قسمت چهارم «ازار» نامیده می شود که تمام هیکل تا پاها را دربر می گیرد. اولین قسمت را مردان هم استفاده می کردند و بسیار بلند و گشاد بوده است و پایین آن همیشه کثیف بوده است. پیغمبر (ص) مردم را از پوشیدن لباس بسیار بلند منع نموده بود. در طول قرون این فرم لباس دستخوش تغییراتی گردیده است و تنها آخرین قسمت آن که به نام عبا مشهور است در بعضی از کشورهای عربی هنوز مورد استفاده قرار میگیرد. این تنها حجابی است که شکل سنتی خود را حفظ کرده است. محجبه بودن به مرور زمان یک علامت احترام آمیز و انحصاری پیدا کرده، پنهان بودن و با حجاب بودن علامت شخصیت گردید، می گویند: «هارون الرشید» برعکس سایر خلفا از پشت پرده ای با مردم صحبت می کرد. این روش از پشت پرده صحبت کردن به خصوص برای زنان، مورد تقلید تمام زنان شهر نشین است. وضعیت مالی و ثروت عده ای، به زنان اجازه داد تا در خانه ها بمانند و در خارج از خانه کار نکنند و در طول قرون، حجاب بنا بر وضعیت شخصیت مسلمانها تغییر می یافت. وقتی تمدن مسلمانان با رونق و درخشان بود، این عادت علامت عقب ماندگی و بدبختی برای زن مسلمان نبوده است و نمونه های بسیاری موجود است که می توانیم بگوییم که حجاب هیچ موقع مانع سازندگی و پیشرفت امت اسلامی و زنان نبوده است. در زمانیکه زنان قدرتمند بوده و سالهای - به قول تاریخ نویسان - «طلایی» امت مسلمان بود، این حجاب هرگز مانع کار کردن زنان در اجتماع نبوده است. با گسترش اسلام در قرون نهم، شاهد یک شبه انقلابی در حجاب هستیم بدلیل اینکه در حدود ده میلیون زن از طبقه مستضعفین، کارگر، کشاورز و کنیز که مسلمان شده بودند، اصلاً چادر سر کردن را نمی دانستند و آنرا مغایر با کارکردن می دانستند، در نتیجه زنانی که به چراندن حیوانات یا بستن اسبها به گاریها و یا به شستشو در و دیوار خانه ها در طول روز مشغولند، نمی توانند مانند زن شهری با حجاب باشند، لذا حجاب فقط توسط زنانی از طبقه مرفه و ثروتمند شهری مراعات می گردید و با وجودی که یک دستور مذهبی بود، بیشتر نشان یک طبقه خاص گردید. در قرون یازده و دوازده زنان بسیاری را در سمت های آزاد می بینیم مانند قضاوت، شاعری، نجوم، پزشکی و عده ای دیگر مربی مذهبی یا صوفی و بعضی حتی به ریاست حکومت هم رسیده اند. زنان در کل جامعه بسیار پرکار و پر مشغله بوده اند.

پیشنهاده

به عنوان پیشنهاد بآهره گیری از کلام حضرت علی ع که فرمودند: العفه راس کل خیر عفت، منشا تمام نیکی هاست::

به دلیل وجود آفات بی حجابی و مشکلات فزاینده ای آن در جامعه می طلبد تا با تدبیری ویژه به این امر مهم به عنوان یک وظیفه عرفی، اخلاقی، شرعی و حقوقی مورد تاکید قرار گرفته، و با وضع قوانین

حقوقی پیشگیرانه در ابعاد مختلف و در موارد گوناگون با توجه به کیفیت نوع پوشش تدبیری بازدارنده انجام گرفته تا ضمن جلوگیری از آفات آن جامعه ای پویا و با صلابت داشته باشیم.

نتیجه گیری

فرامین الهی از جمله حجاب هم از مرحله صحت تا مرحله قبول، دارای درجات و مراتبی است که حداقل آن، شرط تمامیت است که در «حجاب خمار» جلوه گر می شود و حد کمال آن در جامعیت ابعاد پنج گانه حجاب قرآنی «جلباب» به تجلی می آید.

پوشش بدن به جز وجه کفین و مهار کردن جاذبه های جنسی زنانه معیار حجاب الهی و قرآنی است که اگر در پوشش چند قطعه ای خمار و به تناسب فرهنگ و تمدن هر ملتی عینیت یابد، نمره ی صحت عمل را در منظر آیات شریفه به دست آورده است و اگر ابعاد قلبی، گفتاری و رفتاری و بُعد نگاه را نیز در پوشش یکسره جلباب تجلی بخشد، نمره ی کمال و برتری الهی را کسب نموده است.

این امر نشان دهنده این است که در دین مبین اسلام با طرح و تأکید حجاب به تمام جوانب شخصیت زن و مرد در اجتماع توجه کرده است و با توجه به آن حجاب را به صورتی متعادل و متناسب مطرح نموده است تا جامعه ای سالم و به دور از فساد داشته باشیم تا انسان های به ما هو انسان بتوانند در کمال مصونیت و امنیت به کارکردها و نقش های خویش بپردازند و سیر کمال و سعادت را با پیروی از دستورات و مبانی دینی در جامعه بشری با لطافت معنوی و کمال حقیقی تجربه کنند.

منابع و مأخذ:

- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
- فخر الدین رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ش.

- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، محجه البیضاء، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، بی تا.
- قرشی، سیدعلی اکبر، تفسیر أحسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
- همو، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
- قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
- مصطفوی، حسن، التحقیق لکلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، بی چا، ۱۳۶۰ ش.
- ۸ - مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، اخلاق در قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ه.ق.
- احمد پور ترکمانی، علی، نماز خوبان (حکایات و داستانهایی از دانشمندان و فرزندگان)، ناشر: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی مشهور، تهران.
- انصاریان، حسین، توبه آغوش رحمت، قم، دار العرفان، ۱۳۸۲.
- جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، انتشارات هجرت، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، آل بیت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم دار الشامیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.